

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا
۰۹ نومبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

تقبیح اعمال وحشیانه دشمنان انسانیت

(۲)

پیوسته به گذشته....

طالبان به اساس يك سناریوی خیلی ماهرانه و با مطالعه دقیق از پس منظر تاریخی، کلنوری و سیاسی کشور در يك مقطع خیلی مساعد از نظر سیاسی و اجتماعی که برای آن قبلاً زمینه سازی گردیده بود، به وسیله MI6 ، سیا، سکاتلندیارد و موساد مشترکاً، ایجاد گردیدند، مصارف تربیه و آموزش آنها به وسیله عربستان سعودی و امارات متحده عربی و مسؤلیت تطبیق پلان به پاکستان سپرده شد .

انتخاب طالبان به عکس أسلاف شان یعنی مجاهدین که در ان اشخاص و افراد از افشار مختلف بنابر احساسات مذهبی و ضد روسی حصه گرفته بودند، بنابر پیشینه رزمی، داشتن حد اقل سواد خواندن و نوشتن، سن جوان و یا میانه، دسترسی به زبان خارجی از جمله زبان اردو و منسوبیت شان به قوم پشتون بود،

این افراد در وینگ خاص کماندو مربوط ISI تحت آموزش گرفته شدند، آموزش آنها عیناً در سطحی بود که کماندو های پاکستانی مورد آموزش قرار می گرفتند، آنها اشنائی با وسائل ووسائط نظامی مختلف النوع از قبیل وسائط محاربوی به شمول تانک، کامیون های زره دار و استعمال راکت و توپ خانه را در این وینگ فرا گرفتند، چنانچه يك طالب معمولی قادر به چلانیدن وسائط موتوری پیچیده بود، علاوه آنها خلاف أسلاف مجاهد شان که کمتر دانش تیوریک مذهبی داشتند، درس تیوریک دینی ، جامعه شناسی و حتی اداره عامه را نیز می گرفتند. طالب ها برای اداره مملکت به مدتی که خودشان نمی فهمیدند، تربیه شده بودند. طراحان این سناریو در قبال تطبیق این پروژه از آن به عنوان يك پدیده

جدید لابراتواری اجتماعی که در صورت مثمر واقع شدن ممکن چانس ترویج آن در گوشه های مختلف جهان میسر گردد، نام می بردند، چنانچه درین زمینه به طور همزمان از بهره برداری پروژه مشابه به نام القاعده که در بر اندازی سیطره اخوان المسلمین از آن استفاده می شد، پرداختند که بحث جدا گانه درین مورد خواهیم داشت.

موضوع جالب و در خور توجه اینست که در افغانستان ما بنابر داشتن خصوصیت های پیچیده و منحصر به خودش از نظر انترپولویژیک و موجودیت طرز تفکرات مختلف از نظر کروئولوژیک و هکذا عدم پابندی به طرز تفکرات ناشی از سیستم های اجتماعی عنعنه ئی که در جوامع دیگر به آن کماکان پایبند اند، اکثر فورمول ها و تیوری ها آنطوری که باید باز دهی و ثمر دهی ندارند و این شاید یکی از محک ها در ناکامی و نا کار آمد شدن پلان های بیرون مرزی ها در کشور ما باشد، هرچند پروژه طالبان یکی از کار آمد ترین ها از نوع خودش بود ولی با وصف آن با مشکل مواجه گردید و ناچار شدند با بهای خیلی زیاد از آن بگذرند و به تعویض آن با پروژه جدیدی به نام پروژه دولت افغانستان که در رأس آن یکی از مأمورین کمپنی یونیکال قرار داشت، بپردازند.

چرا طالبان را بر انداختند؟

چنانچه اشاره نمودم مردم ما خصوصیت های منحصر به خودشان را دارند و این واقعیت بیشتر در مورد باشنده های بومی و با ساختار های قومی و قبیله ئی صدق می کند، حتی آنهایی که ظاهراً تحصیلات مکتبی و مدرن هم داشته اند به شکلی از اشکال تحت نفوذ و تأثیر ذهنیت های قومی شان قرار داشته اند،

طالب ها و رهبران شان که بیشتر از قوم پشتون بودند با آن که با روحیه جدا از خصوصیت های قومی، با طرز تفکر مذهبی آنها از نوع وهابی های سعودی که در بین اکثر پشتون ها پدیده مذهبی نا آشنا بود، تربیت یافته بودند رفته رفته با گذشت زمان و در رابطه با زمینه های قومی و محیطی، تغییر ماهیت دادند، آنها با آن که از قشر جوان و از بین جوامع مهاجر حاشیه سرحد انتخاب گردیده بودند و از خصوصیت ها و رسوم حاکم بر حیات سیاسی و اجتماعی مردم افغانستان آگاهی کاملی نداشتند ولی بعد از روی قدرت آمدن و معامله با مردم، با واقعیت ها مواجه گردیدند، از اجتماعات تأثیر پذیرفتند و بنای ایجاد یک اداره را کردند. آنها دیگر از حالت شبه نظامیان تحت امر پنجابی ها که در کلچر پشتون ها کراهت آور است، به طرف ایجاد یک دولت با ساختار های کار آمد و بر مقتضای نیاز های مردم می رفتند و درین مسیر آنچه را ضرورت داشتند از تمویل کننده هایشان تقاضا می کردند، این چنین تعاملات و صد ها پیچیدگی دیگر، فشار هائی را از یکطرف بر تمویل کننده ها و از جانب دیگر باعث ایجاد دیدگاه هائی در طالبان می گردید، تمویل کننده ها حاضر نبودند به طالب ها به جز یک وسیله ابزاری امتیاز دیگری بدهند، طولانی شدن جنگ و مقاومت در شمال و پافشاری روسها در حمایت از جبهه شمال، ماهیت اداره طالب ها را خلاف متصدیان آنها تغییر می داد، تا آن که آنها برای تمویل شان دست به ترویج کشت کوکنار زدند و تولید کوکنار در ظرف چند سال چندین برابر از حدی شد که معامله گران بین المللی انتظار آن را داشتند، این پدیده در ذات خود پیچیدگی هائی را به همراه داشت، از یکطرف تصاحب عوائد سر شار به وسیله طالب ها که اینبار اعراب وهابی را به نام القاعده که قبلاً یاد آور گردیدیم، با خود داشتند و این گروه ماهیتاً با پنجابی ها میانه خوبی نداشتند و از طرف دیگر عدم وابستگی مالی آنها به متصدیان امور و نضج گرفتن یک اداره خودی خارج از پلان،

طالب ها در ابتداء توانائی تدارکات جنگی بیشتر از دو هفته را نداشتند و مجبور بودند تا دو هفته اهداف تعیین شده را به دست آورند حتی اگر با جنگ نمی توانستند با پول اهداف شان را متصرف می شدند،

در بهار سال ۱۹۹۸ که با WHO کار می کردم جهت اجرای يك پروگرام تريننگ به ولايت فراه رفتم، کسی به نام ملا صمد که قبلاً واکسیناتور بوده وظیفه ریاست صحت عامه ولايت را داشت و چون آدم قسماً مسلکی بود با من از همان ابتداء رابطه خوبی را آغاز کرد تا حدی که روز دوم مرا مهمان شخصی اش ساخت و برای خوشی بیشترم با موتر خودش به گردش شهر پرداختیم و قصه هائی از هر گوشه داشتیم، ملا صمد آدم صمیمی و ساده ای بود، همواره لبخندی بر لب داشت و خیلی صادق می نمود، با نظر داشت پست و رتبه اش که در آنوقت رئیس صحت عامه و یکی از رفقای شخصی والی فراه نیز بود، چنین پیشامدی از منتهای شکسته نفسی اش بود، یکروز برایش گفتم ببین ملا صمد تو موفق خوبی درین ولايت داری حرف مرا به والی برسان و برایش بگو مردم از ریش و لنگوته باکی ندارند پدر های ما همه ریش و لنگوته داشتند و در این تردیدی نیست، ولی اقلأ طالب هائی که در بخش پولیس وظیفه دارند يك قسم لنگوته داشته باشند و آنهائی که در اردو اند قسم دیگر تا نظم و اداره فهمیده شود، ملا صمد مثل همیشه لبخندی زد و گفت، داکتر صاحب خودت آدم خوبی هستی، می دلم چه می خواهی بگوئی، ولی يك حقیقت را برایت می گویم و نزد خود نگه کن که ما مردم از دو هفته بیشتر پلان خود را نمی فهمیم، اکمالات ما در هر قسم جنگ برای دو هفته است از آن بیشتر نمی فهمیم چه می شود، دعا کن ما خود ما هر کاره کار شویم باز آنوقت هر چیز جور خواهد شد.....

بقیه دارد